



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی  
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر امروز



## گفتارهای شاهنامه «دوران ایران کهن» به نگارش دکتر محمد رسولی (شاهنامه شناس)

### مادر شاهنامه چیزی به نام اسطوره نداریم

سیاسی، اجتماعی ایران از آغاز پادشاهی پیشدادیان می نماید که با پادشاهی کیومرث آغاز می شود.

البته بی گمان گروهی از صاحب نظران در این باره بر ما خرده خواهند گرفت و به این سادگی این ادعا را نخواهند پذیرفت. یک دلیل عدم پذیرش اینکه چیزی به نام اسطوره در شاهنامه وجود ندارد آن خواهد بود که گروهی از این عزیزان، از روی شدت علاقه به شاهنامه‌ی ارجمند، نمی خواهند چیزی خلاف باورهای پیشین خود بشنوند یا اینکه می پندارند چنین سخنی درباره‌ی شاهنامه از قدر و قیمت و اهمیت و ابهت این کتاب و جاوند ارزشمند خواهد کاست. در حالی که چنین نیست و اینکه ثابت شود شاهنامه همه‌اش تاریخ و رویدادهای آن همه راست و درست است درجه‌ی ارزش والا و بالای آن را بیش از پیش نمایان خواهد کرد.

حتی این را نیز بگویم که همان اسطوره هم، برای کشور ارزش فرهنگی دارد. اگر آن اسطوره‌ها نبودند، ما امروز نمی توانستیم به کمک‌های آن‌ها پی به رموز تاریخی ببریم. وانگهی خود اسطوره (و حتی افسانه) به طور ذاتی بخشی از فرهنگ یک مردم و یک کشور است؛ در حدی که خودش یک دانش است.

دانش اساطیر در شناسایی تاریخ تمدن، روشن ساختن گوشه‌های تاریخ ساخت‌های اجتماعی کهن و پی بردن به طرز تفکر و اعتقادات مردم باستان مفید است. اگر تحلیل دقیق و فراگیری از اساطیر به عمل نیاید، بار سنگین مطالعه درباره‌ی تاریخ دوران کهن بر دوش باستان‌شناسی می افتد. دانش اساطیر می تواند بسیاری از نهادهای ابتدایی ادوار کهن تمدن بشری و ارتباط اقوام را با یکدیگر مشخص سازد و به بخش مبهم باستان‌شناسی روشنی بخشد.

در جوامع بومیان که بن‌مایه‌های اساطیری هنوز در میان آن‌ها زنده است، اسطوره‌شناسی نه تنها برای روشن کردن مرحله‌ای از تاریخ اندیشه‌ی انسانی بلکه برای فهم و درک بهتر رفتار و آداب آن جوامع مفید است.

در خصوص شاهنامه، با توجه به پژوهش‌های ژرفی که استادان مربوط در علم نجوم، زمین‌شناسی و تاریخ انجام داده‌اند، امروزه، همه‌ی بخش‌های آن معلوم و روشن شده است و لذا دیگر نمی توان و نباید از بخش اسطوره‌ای شاهنامه نام برد.

شاید کسی زمان تحقق رویدادی را از ما نپزیرد و در خصوص زمان دقیق یک رویداد اختلاف نظر باشد، آن بحث دیگری است. اما همین که بپذیریم اولاً آن رویداد اتفاق افتاده است، دوماً زمان آن را حتی به صورت حدودی معلوم کردیم، چون این دیگر جزو بخش تاریخی می شود و اطلاق صفت اسطوره‌ای به آن خطاست. اینک ما با ضرس قاطع بر این باور هستیم که زمان همه‌ی رویدادهای مندرج در شاهنامه را می دانیم، لذا دیگر دلیلی ندارد که جایی از شاهنامه را تاریخ ندانیم. ما اینک می دانیم که ایرانیان در حدود سیزده هزار و هشتصد سال پیش از جایی که ایرانوچ نخست بود به سوی فلات ایران آمدند. ما حتی می دانیم که آن کوچ بزرگ به یکباره نبوده و حدود هزار و هشتصد سال طول کشیده است. پس از استقرار نیاکان ما در این سرزمین (یعنی در فلات ایران)، دوران ورنشینی آغاز شده است. «ور» یعنی زندگی زیر زمین. البته این کلمه‌ی ساده‌ی دو حرفی «ور» جای تامل دارد که می توان در قسمت‌های بعد راجع به آن حرف زد، چون در آغاز نام برخی شهرهای قدیمی هم این کلمه را داریم. به هر حال، سپس دوران پادشاهی زنجیره‌ی پیشدادیان، فریدونیان، کیانیان و لهراسبیان می آید.

توجه کنید که هر یک از این سلسله‌های پادشاهی که گفتیم، چه زمان طولانی و درازی به طول انجامیده است. جمع این دوران که از آن به عنوان دوره‌ی «عهد کهن» نام می بریم نه هزار و سیصد سال است و جمع دوران پادشاهی زنجیره‌های پادشاهی که نام برده ایم حدود پنج هزار و سیصد سال است و شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی پس از مقدمه و بیان اینکه آفرینش و هستی چگونه به وجود آمد و انسان چگونه خلق شد، شروع به بیان تاریخ

محمد رسولی، حقوقدان، نویسنده و شاهنامه شناس ایرانی است. او به عنوان یک حقوقدان و شاهنامه پژوه و تاریخدان، توان آن را داشته که با به کارگیری توأمان این هر سه هنر و تخصص، نکات جدید و نو و جالبی از دل تاریخ ناشناخته عهد کهن کشف کند و دریچه‌های جدیدی بر روی سایر پژوهشگران بگشاید. وی نگرشی نوین به شاهنامه دارد و پس از سال‌های متمادی پژوهش بر روی شاهنامه و پای درس استادان بزرگ شاهنامه‌نشنستن و تمرکز و کنکاش زیاد بر روی شاهنامه، نظریات بدیع و تازه‌ای در باره‌ی محتویات شاهنامه ارایه کرد. بیشتر این نظریات در کتاب «نگاهی نو به شاهنامه» مطرح شده است. او درباره فرهنگ واژگانی اسطوره و پیوند آن با شاهنامه فردوسی به خبرنگار صبا گفت...

واژه‌ی اسطوره، آن گونه که در فرهنگ واژگان نوشته شده، به معنای افسانه، قصه و حکایت است. سخن پریشان و بیهوده را هم اسطوره می گویند که اساطیر هم جمع آن است. حال، در همین آغاز سخن ببینید و خود دآوری کنید که اگر با وجود ابراز علاقه و عشق به شاهنامه، بخشی از آن را اسطوره بنامیم و بپنداریم، یعنی آن بخش را اسطوره و سخن بیهوده معرفی نموده ایم و با این کار، چه ستم و خوارداشتی نسبت به شاهنامه‌ی ارجمند روا داشته ایم. ما در شاهنامه چیزی به نام اسطوره نداریم. چرا که اگر این گونه باشد، بسیاری از بزرگان شاهنامه وجود نداشته‌اند و این همه سخن فردوسی و شاهنامه از آن‌ها حرف بیهوده و افسانه است. این در حالی است که خود شاهنامه به روشنی می گوید این کتاب را افسانه میندازید و ندانید. به کار بردن اسطوره برای بخشی از شاهنامه چندان درست نیست. چون اسطوره در حقیقت عبارت است از تاریخی که زمان رویداد آن مشخص نیست. حال، اگر زمان آن رویداد معلوم شود، دیگر اسطوره نیست.

سرمایه گذاران  
محمد حسینیان  
حنیف سروری  
بنیاد سینمای فارابی

فیلمی از  
**عادل تبریزی**

تهیه کننده **میروا اله مدنی**  
تهیه کننده اجرایی و مجری طرح **حنیف سروری**

**حامد بهداد** | باران کوثری | سروش صحت | بهرنگ علوی  
امیرحسین رستمی | نادر سلیمانی | یوزن بنفشه‌خواه | سیاوش چراغی پور | امجد الهی  
مریم همتیان | ایمان اسماعیل پور | علی باغفر | حامد شیحی | وحید رحمتی  
داود ونداده | با معرق علی راد باحتیور، فرهاد آبیض باهرمنندی جمشید هاشم پور (آریا)  
خاطره سازان رضا صفائی پور - حسن رضایی